

نوسازی نظام بانکی و توسعه بانکداری خصوصی

جلال رسول اف^۱

چکیده

اقتصاددانان در مورد اهمیت نظام مالی در توسعه اقتصادی دیدگاه‌های متفاوتی دارند. گروهی از اقتصاددانان معتقداند که توسعه نهادهای پولی و مالی نقش مثبتی در رشد و توسعه اقتصادی دارد. با کمرنگ بودن بازارهای مالی در ایران، بانک‌ها تا حدودی بار آن‌ها را نیز به دوش می‌کشند. صنعت بانکداری با قدمت افزون بر هشتاد سال، در سه دهه گذشته دچار تحولات عمیقی شده است و پس از تجربه بانکداری دولتی در دو دهه اول بعد از انقلاب اسلامی، از سال ۱۳۸۰ دوباره شاهد فعالیت بانک‌های خصوصی بوده است. هم‌اکنون نظام بانکی وضعیت مطلوبی در مقایسه با استانداردهای جهانی نداشته و با مشکلاتی از جمله بدهی بالا به بانک مرکزی، کارآیی پایین، انعطاف‌ناپذیری لازم مطابق با نیازهای روز و هزینه سرانه نسبتاً بالا روبه‌رو می‌باشد. از این‌رو نوسازی نظام بانکی برای نیل به اهداف توسعه کشور، ضروری است.

بانک‌های دولتی به‌دلیل ساختار سنتی و عدم حساسیت به سازوکار بازار، عموماً نمی‌توانند در فرآیند نوسازی تأثیر آنی و عمیقی بگذارند. لیکن بانک‌های خصوصی به‌دلیل اینکه در پی کسب حداکثر سود برای پاسخگویی به سهامداران خود هستند، از خود رفتار رقابتی نشان می‌دهند. در شرایط رقابتی، فعالیت‌ها هدفمندتر و خدمات متنوع‌تر و کارآیی بیشتر می‌شود. از این‌رو، بانک‌های خصوصی می‌توانند به‌عنوان یک عامل تغییر در جهت نوسازی سریع‌تر نظام بانکی، مؤثر باشند.

تقویت و توسعه بانکداری خصوصی در دو سطح بنگاه و کلان درخور بررسی است. در سطح اول، بانک خصوصی به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی می‌تواند با نوآوری، تجهیز بهینه منابع و اصلاح ساختار مالی، محصولات و خدمات جدیدی عرضه کند. در این سطح، بانکی موفق‌تر است که قابلیت‌های داخلی خود را بهتر و سریع‌تر توسعه دهد. در سطح دوم شرایط محیطی و عوامل خارجی می‌توانند بر روند بروز قابلیت‌های بانک‌های خصوصی، اثر بازدارنده یا تسهیل‌کننده بگذارند. این سطح شامل مجموعه اقدامات و فعالیت‌های دولت، بانک مرکزی و قانونگذاران و نظام بانکداری بین‌المللی است. همچنین به‌دلیل نوپا بودن بانکداری خصوصی، بسیاری از زیرساخت‌های فعالیت بانک خصوصی ناکامل است.

در این مقاله سعی بر این است که با ارائه یک تعریف عملیاتی از نوسازی نظام بانکی، نقش بانک‌های خصوصی در فرآیند نوسازی تبیین شود. سپس عوامل محیطی کلان مؤثر بر پیشرفت و توسعه بانکداری خصوصی، معرفی گردد و سرانجام، پیشنهادهایی برای بهبود بستر لازم برای فعالیت بانکداری خصوصی ارائه شود. یادآور می‌شود که تلاش شده است تا در این مقاله از آخرین آمار و اطلاعات مستند (عمدتاً تا شهریور و یا پایان سال ۱۳۸۶) استفاده شود.

کلمات کلیدی: نوسازی، نظام بانکی، بانکداری خصوصی.

^۱ مدیر عامل بانک اقتصاد نوین

مقدمه

افزایش ثروت ملی می‌باید از طریق توانمندسازی بخش خصوصی و ایجاد بازار رقابتی تحقق یابد. یکی از پیش‌شرط‌های کلی و اساسی نوسازی بانکی و توسعه بانکداری خصوصی، با عملیاتی‌شدن سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و حضور گسترده‌تر بخش خصوصی در پروژه‌های مهم و زیربنایی کشور، واگذاری کلیه شرکت‌های کوچک دولتی به بخش غیردولتی تا پایان سال ۱۳۸۹ و ممنوعیت دولت در سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت این نوع از بنگاه‌ها پس از سپری‌شدن مهلت تعیین شده، فراهم خواهد شد. تعیین سهم دولت براساس لایحه اصل ۴۴، در صنایع مادر و بزرگ حداکثر تا ۲۰ درصد، افزایش ثروت ملی و درآمد سرانه از طریق توانمندسازی بخش خصوصی و ایجاد بازار رقابتی، تحقق پیش‌بینی‌های برنامه چشم‌انداز بیست ساله و تحقق حجم سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی مورد نیاز طی دوره زمانی مذکور، موجب تأکید بیشتر بر آماده‌سازی زیرساخت‌ها، محصولات و تأمین مالی داخلی و خارجی برای توسعه بخش خصوصی و همچنین نوسازی بانکی و توسعه بانکداری خصوصی می‌شود.

نقش دولت از تصدیگری به حاکمیتی تغییر می‌یابد. موانع و مشکلات سرمایه‌گذاری مانند: طولانی بودن مدت بهره‌برداری از طرح‌های سرمایه‌گذاری، شفاف نبودن قیمت واقعی برخی کالاها، آزاد نبودن بازارها، بالا بودن نرخ‌های سود تسهیلات بانکی، سنتی بودن ساختار و ابزار تولید، توسعه نیافتگی بازار سرمایه و دیوانسالاری پیچیده اداری، می‌باید تعدیل و کاهش یابد. در این چارچوب در لایحه اصل ۴۴ فضای رقابتی دیده شده و کلیه امتیازهای بخش دولتی طی حدود ۳ ماه لغو می‌شود. تعاونی‌ها می‌باید تا ۴۹ درصد سهام خود را به بخش خصوصی ارائه دهند. دولت مکلف است طی مدت ۲ سال نقش‌های تصدیگری خود را واگذار کند. کل واگذاری‌های شرکت‌های دولتی تا پایان برنامه پنجم انجام خواهد شد. اجازه تأسیس بورس‌های داخلی و خارجی گرفته خواهد شد. براساس لایحه مذکور، دولت باید سالانه ۱۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی را برای بخش خصوصی جذب کند و حداقل ۴۰ درصد از صندوق ذخیره ارزی را به بخش خصوصی اختصاص دهد. فعالیت نهادها، شهرداری‌ها و بنگاه‌های دولتی محدود و حداکثر سهام آن‌ها ۴۰ درصد تعیین می‌شود.

مطالعات و اقدام‌های صورت گرفته در زمینه نوسازی نظام‌های مالی را می‌توان در دو سطح کلی (کلان) و خرد طبقه‌بندی کرد. در سطح کلان برنامه‌های اصلاح ساختار نظام‌های مالی

عموماً به دنبال اصلاح ساختار تنظیمی و نظارتی بر بازارها و نهادهای مالی هستند. در این برنامه‌ها ایجاد بیشترین ارتباط بین بخش‌های مالی و واقعی اقتصاد و به عبارت دیگر، ایجاد زمینه مناسب برای ارائه بیشترین خدمات توسط بخش مالی به بخش واقعی اقتصاد که لازمه رشد و توسعه آن تشخیص داده شده است مورد توجه قرار دارد. در سطح خرد بیشترین توجه برنامه‌های اصلاح ساختار به چگونگی شکل‌گیری ساختار سازمانی، مالی و نیروی انسانی واسطه‌های مالی سپرده‌پذیر (بانک‌ها) معطوف می‌شود. در این برنامه‌ها شیوه‌های بهبود عملکرد و نسبت‌های مالی بانک‌ها و ارائه خدمات جدید امکان‌پذیر می‌باشد.

۱- نظام مالی و رشد اقتصادی

مطالعات بسیاری درباره ارتباط بین توسعه مالی و رشد اقتصادی انجام شده است و نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که توسعه مالی نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی دارد. جامع‌ترین مطالعه در این خصوص توسط لوین^۱ انجام شده است (لوین، ۱۹۹۹). در این مطالعه عملکرد اولیه نظام‌های مالی به معنای انتقال وجوه از پس‌اندازکنندگان به وام‌گیرندگان به‌منظور سرمایه‌گذاری در فرصت‌های مناسب اقتصادی می‌باشد. بازارهای مالی باعث ارتقای سطح کمی و کیفی سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش سرمایه سرانه در اقتصاد و سرانجام موجب بهبود سطح رفاه در جامعه می‌شود. لوین در یک مطالعه جامع به این نتیجه رسیده است که توسعه بازارهای مالی نقش مثبت و بسزایی در رشد اقتصادی دارد.

بازارهای مالی به سه روش عمده در رشد اقتصادی تاثیرگذارند^۲ (پاگانو، ۱۹۹۳). اول بازارهای مالی مناسب می‌تواند باعث تجمع سپرده‌های کوچک و تسریع حرکت این وجوه به سمت وام‌گیرندگان شود. تخصیص بهینه پس‌اندازها از طریق یک نظام مالی کارآمد سبب افزایش بهره‌وری سرمایه و سرانجام رشد اقتصادی می‌شود. دوم بازارهای مالی کارآمد باعث تخصیص بهینه منابع از طریق افزایش نظارت و کنترل بر وام‌گیرندگان می‌شوند و سوم نظام‌های مالی با بهبود بخشیدن به توزیع ریسک، سبب افزایش نرخ پس‌انداز و در نتیجه استفاده منابع به‌دست آمده در پروژه‌های سودآور اقتصادی می‌شوند. پس می‌توان گفت؛ توسعه بازارها و واسطه‌های مالی، تأثیر مثبت و درخور توجهی در رشد اقتصادی کشورها دارد.

^۱ Levine, 1999

^۲ Pagano, 1993

۲- نوسازی در نظام بانکی

در دهه‌های اخیر بیشتر کشورها با مشکلات متعددی در نظام بانکی روبه‌رو بوده‌اند. اغلب این مشکلات ریشه داخلی دارد. مانند نظارت ضعیف بانکی، دخالت‌های سیاسی و کافی نبودن سرمایه بانک‌ها و یا اینکه نظام بانکی قدیمی است و نیاز به نوسازی دارد. این‌گونه مشکلات در اغلب کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال گذار از نظام برنامه‌ریزی متمرکز به اقتصاد مبتنی بر بازار، وجود دارد. مشکلات نظام بانکی نیز می‌تواند منشاء خراج از کشور داشته باشد. مثلاً کاهش قیمت محصولات صادراتی یک کشور. کشورها رویکردهای متفاوتی برای حل بحران‌های بانکی دارند و درجه موفقیت آن‌ها در زمینه نوسازی متفاوت است.

اصلاح ساختار و نوسازی نظام بانکی به بهبود کفایت سرمایه کمک می‌کند. کفایت سرمایه را می‌توان از طریق بهبود ترازنامه‌ها افزایش داد. ترازنامه بانک را می‌توان به طرق مختلفی ارتقاء بخشید: افزایش سرمایه، افزایش ارزش دارایی‌ها و یا کاهش بدهی‌ها. همچنین می‌توان هزینه‌های عملیاتی را از طریق کم کردن تعداد شعبه و نیروی انسانی، کاهش داد و سرانجام سود را افزایش داد^۱ (ژیوبک، ۱۹۹۸).

۳- ضرورت نوسازی در نظام بانکی ایران

در ایران نیز بانک‌ها با مسایل و مشکلات مختلفی روبه‌رو هستند. یک بخش از مشکلات ناشی از متغیرهای کلان کشور است و بخشی دیگر مربوط به سطح خود بنگاه یا بانک است. تداوم بانکداری دولتی در ایران تا حدود زیادی، باعث نادیده انگاشتن نیازهای مشتریان شده است (رسول‌اف، ۱۸). درحالی‌که دنیای نو طالب بانکداری مدرن، پرسرعت پاسخگو و کارگشا است. ضرورت نوسازی نظام بانکی بیش از پیش در عصر فناوری اطلاعات احساس می‌شود. برخی از دلایلی که نشان می‌دهد نظام بانکی در ایران پیشرفت مطلوبی نداشته است و نیاز به نوسازی دارد عبارتند از:

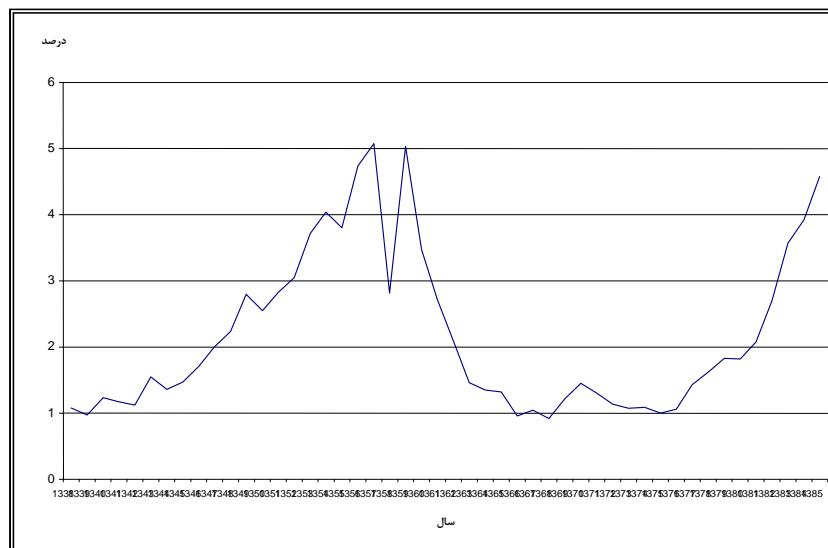
- سهم ارزش افزوده خدمات مؤسسات پولی و بانکی به تولید ناخالص داخلی
- بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به بانک‌ها
- بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی برای تهیه منابع مالی جهت ارائه تسهیلات
- مانده مطالبات معوق بانک‌ها
- نفوذ نیروهای سیاسی در نظام بانکداری

^۱Dziobek 1998

۱-۳- سهم ارزش افزوده خدمات مؤسسات پولی و بانکی به تولید ناخالص داخلی

ارزش افزوده^۱ عبارت است از: ارزش ستانده منهای ارزش مصرف واسطه. ارزش افزوده را می‌توان معیار سنجش مشارکت تولیدکنندگان منفرد، صنعت یا بخش‌های اقتصادی دیگر در تولید ناخالص داخلی محسوب کرد (بانک مرکزی ج.ا.ا.). همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، این نسبت از ۱ در سال ۱۳۳۸ به ۵ در سال ۱۳۵۷ رسیده است و از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۷۶ روند کاهنده داشته و بعد از آن دوباره سهم ارزش افزوده مؤسسات پولی و مالی به تولید ناخالص داخلی افزایش داشته است لیکن هنوز به بیشینه (حداکثر) مقدار خود در سال‌های پیش نرسیده است. این افزایش از سال ۱۳۸۰ شتاب داشته است. به‌طوری‌که می‌توان حضور بانک‌های خصوصی را در این افزایش مؤثر دانست. بی‌گمان به‌دلیل اینکه سهم ارزش افزوده بانک‌ها در خدمات مؤسسات پولی و مالی بیش از ۸۰ درصد است؛ از ارزش افزوده مؤسسات پولی و مالی استفاده شده است.

نمودار ۱: نسبت ارزش افزوده خدمات مؤسسات پولی و مالی به تولید ناخالص داخلی



مأخذ: بانک مرکزی، حساب‌های ملی کشور، سال‌های مختلف.

¹ Value Added

۲-۳- بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به بانک‌ها

در اقتصاد ایران به دلایل وظایف و مسئولیت‌های مختلفی که دولت براساس قانون برعهده دارد؛ ناگزیر است برای انجام تعهداتش از بانک مرکزی و سایر بانک‌ها قرض کند تا تعهداتش را اجرا نماید. بدهی دولت به بانک مرکزی منجر به افزایش پایه پولی و به تبع آن افزایش نقدینگی و تورم می‌شود. همچنین بدهی دولت به بانک‌ها نیز باعث تضعیف بانک‌ها می‌شود. بانک‌های کشور جهت تطبیق شاخص‌های مالی خود با استانداردهای بانک‌های بین‌المللی با مشکلاتی مواجه هستند که یکی از این مشکلات پایین بودن نسبت کفایت سرمایه است. یکی از دلایل پایین بودن نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های دولتی، حجم بالای مطالبات معوق بانک‌هاست که قسمت عمده‌ای از آن را بدهی‌های دولت به بانک‌ها تشکیل می‌دهد. از این رو بدهی دولت به بانک‌ها تأثیر نامطلوبی بر بانک‌ها می‌گذارد. همان‌طور که در جدول ۱ و نمودار ۲ مشاهده می‌شود بدهی دولت به بانک‌ها همیشه در حال افزایش بوده است. ساختار دولتی بانک‌ها منشأ اصلی این بدهی بوده است، چون هرگاه دولت نیاز مالی داشته باشد بانک‌های دولتی را موظف به ارائه تسهیلات می‌کند.

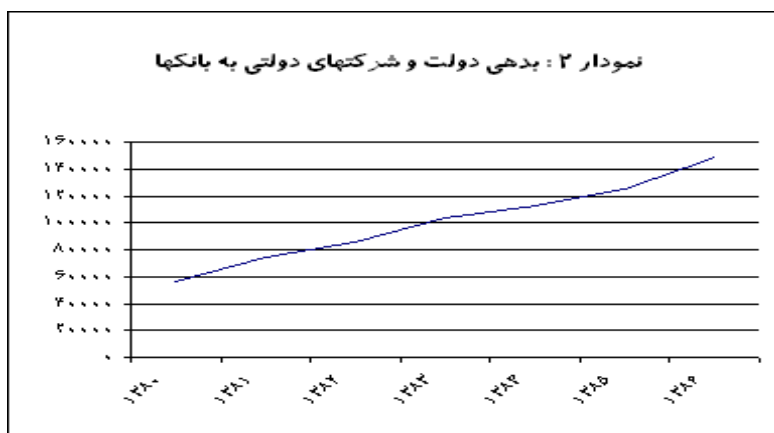
جدول شماره ۱: بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی و بانک‌ها

(میلیارد ریال)

سال	بانک مرکزی	بانک‌ها	جمع
۱۳۸۰	۸۲۳۵۷/۷	۵۶۰۹۹/۵	۱۳۸۴۵۷/۲
۱۳۸۱	۱۳۱۵۶۹	۷۴۶۴۷/۹	۲۰۶۲۱۶/۹
۱۳۸۲	۱۳۶۰۴۰/۶	۸۵۸۶۰	۲۲۱۹۰۰/۶
۱۳۸۳	۱۳۲۳۶۱/۵	۱۰۳۵۷۹/۴	۲۳۵۹۴۰/۹
۱۳۸۴	۱۲۳۲۱۲/۳	۱۱۲۳۹۵/۴	۲۳۵۶۰۷/۷
۱۳۸۵	۱۳۱۴۳۲/۲	۱۲۴۷۸۷/۶	۲۵۶۲۱۹/۸
۱۳۸۶	۱۳۱۷۶۱/۷	۱۴۸۸۷۶/۸	۲۸۰۶۳۸/۵

مأخذ: سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۸۵ و گزیده آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی، ج.۱، سال ۱۳۸۶.

مشاهده می‌شود بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به بانک‌ها از ۵۶۱۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۱۴۸۸۷۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۶ رسیده است. به بیان دیگر در یک دوره شش ساله، بدهی دولت و شرکت‌های دولتی حدود ۲/۷ برابر شده است.



۳-۳- بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی

بانک‌ها برای تهیه منابع مالی جهت ارائه تسهیلات، منابع خود را یا از طریق سپرده‌ها تأمین می‌کنند و یا از بانک مرکزی وام می‌گیرند. هر چند بانک‌ها درصدی از سپرده‌های خود را به‌عنوان سپرده قانونی نزد بانک مرکزی نگهداری می‌کنند، ولیکن بدهی‌های بانک‌ها به بانک مرکزی رو به افزایش است. جدول ۲ بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی را نشان می‌دهد. جمع بدهی‌های بانک‌های دولتی از ۲۲۶۵۷ میلیارد در سال ۱۳۸۱ به ۱۳۵۲۰۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۶ رسیده است؛ یعنی سالانه بدهی‌های بانک‌ها به بانک مرکزی حدود ۴۳ درصد رشد داشته است. این رقم بسیار بیشتر از بدهی بانک‌های خصوصی به بانک مرکزی می‌باشد و بانک‌های دولتی در این زمینه موفق عمل نکرده‌اند، هر چند بدهی‌های بانک‌های خصوصی به بانک مرکزی در حال رشد شتابان می‌باشد.

۳-۴- مانده مطالبات معوق بانک‌ها

مانده مطالبات معوق نیز همیشه در حال افزایش بوده است. این مسئله یکی از تنگناهای نظام بانکی ایران است. جدول ۳ مانده مطالبات معوق را به تفکیک بانک‌ها نشان می‌دهد.

مشاهده می‌شود که مانده مطالبات معوق بانک‌های خصوصی، مانند بانک‌های دولتی نیز در حال افزایش است (این رقم در پایان سال ۱۳۸۶ کاهش یافته است) که باید در نحوه پرداخت تسهیلات هم در بانک‌های دولتی و هم در بانک‌های خصوصی تجدید نظر شود.

جدول شماره ۲: بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی

(میلیارد ریال)

شرح	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶×
بانک‌های دولتی	ملی	۲۰.۴۳۰	۲۱.۷۹۵	۲۹.۹۹۶	۳۷.۸۴۸	
	سپه	۲.۴۷۲	۲.۳۴۳	۳.۰۴۵	۸.۳۹۱	
	صادرات ایران	۸۴۶	۹۱۶	۲.۲۵۱	۱۴.۱۷۲	
	تجارت	۲.۵۳۴	۱.۸۷۹	۶.۷۰۱	۹.۳۱۸	
	ملت	۶۰۴	۱۳۰	۱.۲۳۱	۹.۹۲۳	
	رفاه	۱۴۸	۱۷۳	۳۷۲	۵۰۰	
	کشاورزی	۳.۸۶۳	۵۰.۶۸	۸.۴۹۸	۱۴.۰۵۷	۱۶.۵۲۰
	مسکن	۴۸۹	۶۳۵	۴۷۳	۷۱۳	۳.۷۹۱
	توسعه صادرات	۴۲	۸۶	۸۶	۱۵۰	۱۵۴
	صنعت و معدن	۶۹۴	۸۲۵	۱.۱۰۰	۷۹۲	۱.۱۹۰
جمع بانک‌های دولتی	۲۲.۶۵۷	۳۲.۴۸۵	۴۵.۵۵۲	۶۵.۷۲۷	۱۰۱.۸۰۷	۱۳۵.۲۰۸
بانک‌های خصوصی	کارآفرین	۱	۰	۰	۲۶	۰
	سامان	۰	۰	۰	۰	۰
	پارسیان	۰	۰	۰	۰	۱.۱۰۶
	اقتصاد نوین	۰	۰	۰	۰	۰
	پاسارگاد	۰	۰	۰	۰	۰
	سرمایه	۰	۰	۰	۰	۰
جمع بانک‌های خصوصی	۱	۰	۰	۲۶	۱.۱۰۶	۱۷۹۶

مأخذ: ۱- گزارش عملکرد نظام بانکی کشور در سال ۱۳۸۵، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران و آمارهای بانک مرکزی.

گزیده آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی ج.ا.ا. سال ۱۳۸۶.

* آمار سال ۱۳۸۶ به تفکیک بانک‌ها (تا کنون انتشار نیافته است).

۵-۳- نفوذ نیروهای سیاسی در نظام بانکداری

در کشورهای در حال توسعه بانک‌های دولتی منبع ریسک سیاسی هستند و می‌توانند برای توسعه اقتصادی زیانبار باشند. سیاستمداران می‌توانند از تسهیلات این بانک‌ها برای ساختن پایه‌های سیاسی خود یا موکل‌هایشان، از راه ایجاد اشتغال در بنگاه‌های غیراقتصادی دولتی یا مورد حمایت دولت و تأمین مالی این بنگاه‌ها استفاده کنند. با این حال، اصلاحات ضروری برای درمان این مشکل با محدودیت مواجه است، زیرا وجود بنگاه‌های دولتی برای ثبات سیاسی داخلی حیاتی است. به دلیل دسترسی سیاستمداران به ابزارهایی برای فراهم‌آوردن تسهیلات ارزان برای کسب و کارهای مورد نظر خود، تسهیلات نظام بانکی کارآیی مطلوب را ندارد و این نوع دخالت در اعطای تسهیلات در سال‌های اخیر نیز در این گونه کشورها بیشتر شده است.

جدول شماره ۳: مانده مطالبات معوق بانک‌ها

(میلیارد ریال)

شرح	شهریور ۱۳۸۵	شهریور ۱۳۸۶	
بانک‌های دولتی	ملی	۲۳۸۶۰	۲۴۴۴۳
	سپه	۹۴۱۹	۱۱۳۸۴
	صادرات ایران	۲۴۱۱۰	۲۷۶۰۷
	تجارت	۱۶۲۸۴	۲۳۱۳۷
	ملت	۱۶۷۶۲	۲۱۶۱۸
	رفاه	۷۳۷۴	۸۷۸۵
	کشاورزی	۱۷۹۵۷	۲۳۸۷۵
	مسکن	۳۸۸۹	۴۲۵۱
	توسعه صادرات	۲۴۶۲	۲۳۰۶
	صنعت و معدن	۶۱۸۰	۴۴۷۰
جمع بانک‌های دولتی	۱۲۸۲۹۷	۱۵۱۸۷۶	
بانک‌های خصوصی	کارآفرین	۱۳۴۴	۱۶۹۲
	سامان	۸۷۵	۹۳۹
	پارسیان	۷۸۵۶	۱۴۹۸۳
	اقتصاد نوین	۷۵۶	۱۳۷۳
	پاسارگاد	۰	۳۰۶
	سرمایه	۰	۱۵۷
جمع بانک‌های خصوصی	۱۰۸۳۱	۱۹۴۵۰	

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا.

۴- نقش بانکداری خصوصی در نوسازی نظام بانکی

طرفداران دولتی بودن بانکها براین باورند مالکیت دولت در بانکها، اول آنکه سبب می‌شود بانکها فقط به فکر سودآوری نبوده و دولت را در جهت نیل به اهداف رفاهی، اجتماعی و اقتصادی خود کمک کنند. دوم آنکه، مالکیت دولتی از فروپاشی بازارهای مالی جلوگیری کرده و در صورت لزوم دولت‌ها به یاری این بازارها، می‌شتابند. سوم آنکه، مالکیت دولت بر بانکها، متضمن حقوق افراد جامعه در مقابل انحصارات بوده و به توزیع مجدد ثروت و عدالت اجتماعی کمک می‌کند. این گروه از نظریه‌پردازان، عملکرد بانکهای دولتی را مثبت ارزیابی کرده و آنها را کارا می‌دانند. در مقابل معتقدان به مالکیت بخش خصوصی بانکها، بازدهی پائین بانکهای دولتی، کاهش نقش تصدیگری بخش دولتی و هزینه‌های بودجه دولت، ایجاد انگیزه، ابتکار و نوآوری در ارائه خدمات در بانکهای خصوصی را از آثار مثبت این نوع مالکیت می‌دانند؛ از این‌رو بانکهای خصوصی می‌تواند به نوسازی نظام بانکی کمک کنند.

از دلایل عمده‌ای که برای ناکامی بانکهای دولتی و موفقیت بانکهای خصوصی ذکر می‌شود؛ نظریاتی همچون رقابت، دخالت‌های سیاسی و حاکمیت شرکتی است. رقابت از جمله موضوعاتی است که صاحب‌نظران علم اقتصاد همواره از آن به‌عنوان راهکاری برای رشد و شکوفایی و استفاده بهینه از منابع اقتصادی یاد می‌کنند و در بانکهای خصوصی زمینه بیشتری برای رقابت وجود دارد. منافع سیاسی احزاب و گروه‌های حاکم بر دولتی موجب می‌شود تا بانکهای دولتی بیشتر در فکر منافع سیاسی باشند و به دلیل دسترسی و استفاده آسان از یارانه‌های دولتی، تمایل و نیازی به رقابت برای افزایش خدمات نداشته باشند.

دخالت سیاستمداران و اعمال نفوذ آنها در بانکهای دولتی از جمله آسیب‌های بانکهای دولتی می‌باشد. هرچند در بانکهای خصوصی نیز از این نوع دخالت‌ها بعضاً دیده می‌شود، لیکن نظارت مستمر سهامداران بر عملکرد این بانکها و به‌خصوص احتمال حضور سهامداران خارجی در این بانکها و الزام پاسخگویی مدیران به سهامداران موجب شده تا این دخالت‌ها به حداقل برسد. علاوه بر آن بر خلاف بانکهای دولتی که معمولاً اشغال بعضی مشاغل کلیدی براساس روابط گروهی و سیاسی صورت می‌پذیرد؛ در بانکهای خصوصی، با توجه به هدف اصلی آنها، یعنی حداکثر ساختن سود و با پیروی از ضوابط و مقررات، اجرای اصل شایسته‌سالاری امکانپذیرتر می‌شود. سومین موضوع قابل بحث در این زمینه‌ها هدایت و مدیریت بانکهای

دولتی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد، نظارت در بانک‌های خصوصی نسبت به بانک‌های دولتی از وضعیت بهتری برخوردار است.

به‌منظور بررسی این موضوع که آیا بانک‌های خصوصی عملکرد بانک‌ها را بهبود بخشیده‌اند یا خیر، برخی نسبت‌های مالی بانک‌های دولتی با بانک‌های خصوصی مقایسه می‌شود^۱ (فرجی ۱۳۸۵). در این مقاله برخی از نسبت‌هایی که می‌توانند قیاس بین بانک‌های خصوصی و دولتی را انجام دهند بررسی می‌شود. برخی از این نسبت‌ها عبارتند از:

الف- نسبت سپرده‌ها به دارایی‌ها

ب- نسبت تسهیلات به دارایی‌ها

ج- نسبت سپرده‌ها به شعب

د- نسبت سپرده‌ها به کارکنان

جدول شماره ۴: نسبت‌های عملکردی بانک‌ها به تفکیک بانک‌های دولتی و خصوصی

شهریور ۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	شرح
۳۴	۶۳	۶۱	۵۸	۶۳	دولتی
۵۹	۷۳	۷۶	۸۵	۸۱	خصوصی
۳۸	۵۸	۵۶	۵۰	۵۳	دولتی
۴۰	۵۸	۵۸	۶۷	۷۴	خصوصی
۴۴/۷۰	۷۱/۹۶	۵۴/۹۷	۴۳/۴۹	۳۴/۷۸	دولتی
۵۲۱/۳۴	۳۸۱/۳۴	۵۰۹/۱۹	۳۳۹/۷۶	۱۹۲/۰۸	خصوصی
۴/۱۵	۶/۷۵				دولتی
۳۴/۳۷	۲۵/۲۸				خصوصی

مأخذ: -گزارش عملکرد نظام بانکی کشور در سال ۱۳۸۵، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، سال ۱۳۸۶

- فصلنامه بانک، عملکرد بانک‌های دولتی و خصوصی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال‌های مختلف.

- بانک مرکزی ج.ا.ا.

^۱ یوسف فرجی، سعید وکیلی: ضرورت خصوصی‌سازی بانک‌های تجاری در ایران و ارائه مدل مناسب از تجربیات سایر کشورها، مجموعه مقالات هفدهمین همایش بانکداری اسلامی ایران.

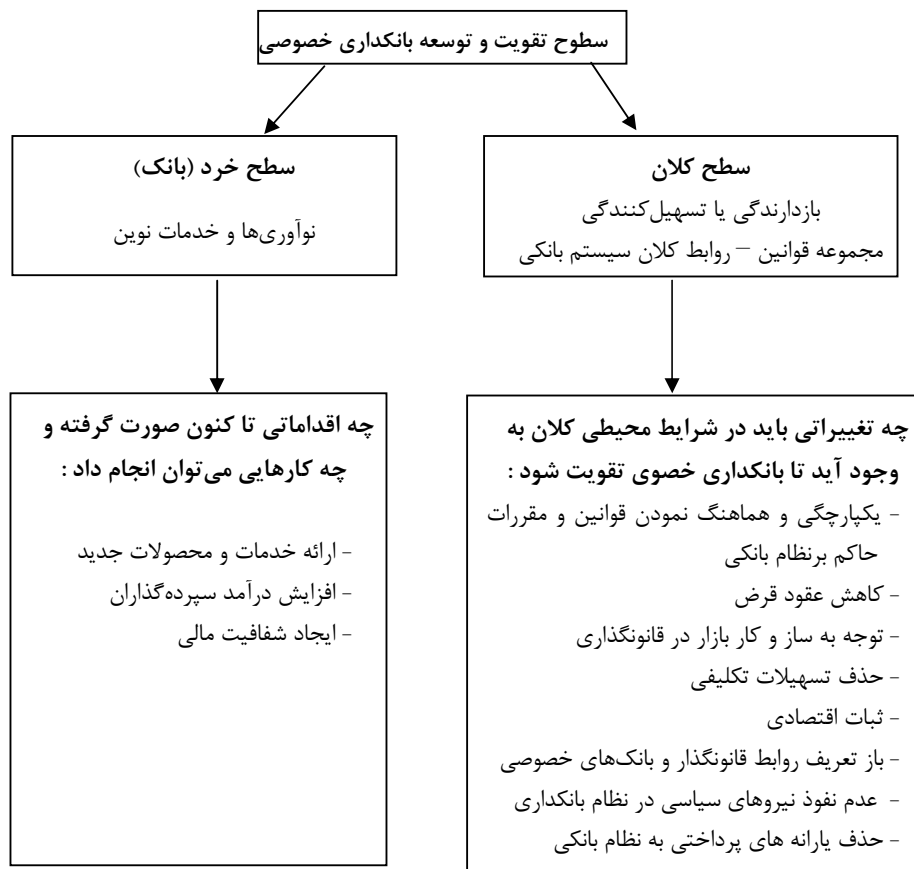
همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، نسبت‌های عملکردی در بانک‌های خصوصی، مطلوب‌تر از بانک‌های دولتی است. با برتری نسبی بانک‌های خصوصی می‌توان گفت بانک‌های خصوصی می‌توانند به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی برای نوسازی نظام بانکی، استفاده گردند.

۵- تقویت و توسعه بانکداری خصوصی به‌عنوان ابزار اصلی نوسازی

همان‌طور که بیان شد الزامات تقویت و توسعه نظام بانکداری در دو سطح قابل بررسی است:

۱- سطح کلان ۲- سطح خرد

در نمودار زیر، جزئیات مربوط توضیح داده شده است.



۱-۵- سطح کلان

برای تقویت بانکداری خصوصی و نوسازی نظام بانکی، برخی الزامات در سطح خارج از بنگاه (بانک خصوصی) می‌بایست رعایت شود. در کشورمان برخی مشکلات فراروی نظام بانکی وجود دارد که از جمله عوامل بیرونی است. این موارد باید جهت تسریع در نوسازی و تقویت بانکداری خصوصی مرتفع شوند.

۱-۱-۵- یکپارچه و هماهنگ کردن قوانین و مقررات حاکم بر نظام بانکی

پراکندگی قوانین و مقررات مربوط به نظام بانکی و نبود یک مجموعه قوانین مدون و منسجم در این زمینه، در کشور به خوبی احساس می‌شود. قوانین و مقررات ناظر بر نظام بانکی کشور به ترتیب تاریخ تصویب عبارتند از :

- قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۵۱ مجلس شورای ملی.
 - قانون ملی شدن بانکها مصوب ۱۳۵۸/۳/۱۷ شورای انقلاب.
 - لایحه قانونی اداره امور بانکها مصوب ۱۳۵۸/۷/۳ شورای انقلاب.
 - طرح ادغام بانکها مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۸ مجمع عمومی بانکها.
 - قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۶۲/۶/۸ و تأیید شورای نگهبان مورخ ۱۳۶۲/۶/۱۰.
 - و تعداد زیادی مصوبات مراجع و نهادهای دیگر، از جمله شورای پول و اعتبار، مجمع عمومی بانکها، برنامه‌های توسعه کشور و قوانین بودجه سالانه و همچنین مصوبات هیئت دولت مرتبط با مسایل پولی و بانکی.
- از نظر واژه‌شناسی نیز ایرادهایی بر قانون وارد است. چرا که به دلیل وجود واژه‌های غیرشفاف ابهاماتی وجود دارد که بعد از گذشت بیش از ۲۵ سال از اجرای قانون، این ابهامات مرتفع نشده است. در رابطه با اصطلاحات نیز (به‌طور مثال: ربا، بهره، سود و ...) نظریات مختلفی ارائه می‌شود.

۲-۱-۵- کاهش عقود قرض

۱۴ ابزار مالی در قالب ۸ عقد اسلامی برنامه کار و فعالیت بانکها را با مشکل روبه‌رو کرده است. این عقدها عبارتند از :

۱- قرض الحسنه اعطایی ۲- مضاربه ۳- مشارکت مدنی ۴- مشارکت حقوقی ۵- سرمایه‌گذاری مستقیم ۶- فروش اقساطی مواد اولیه ۷- فروش اقساطی وسایل لازم ۸- فروش اقساطی مسکن ۹- اجاره به شرط تملیک ۱۰- سلف ۱۱- جعاله ۱۲- خرید دین ۱۳- مزارعه ۱۴- مساقات. تعدد و تنوع این عقود سبب شده است که توزیع فراوانی تسهیلات بانکی از محل سپرده‌ها عمدتاً در تسهیلات کوتاه‌مدت تمرکز یافته و به بیان دیگر در معاملات تجاری و بازرگانی به کار گرفته شود. علت این امر را می‌توان در ناآشنایی کارکنان بانک با عقود پیش‌بینی شده در قانون و نیز سادگی و سودآور بودن معاملات بازرگانی از جهت تمدید و جریمه تأخیر (نسبت به سایر تسهیلات اعطایی بانکی) دانست. آمار و ارقام نشان می‌دهد که همواره پس از اجرایی شدن قانون بانکداری بدون ربا، به دلیل کمبود کارکنان متخصص و آشنا به امور تولیدی و سرمایه‌گذاری (بازار سرمایه)، بانک‌ها عملیات خود را بیشتر در عقود مبادله‌ای (معاملاتی) مانند فروش اقساطی متمرکز کرده‌اند. در سال ۱۳۸۶ بیش از ۴۸ درصد پرداخت تسهیلات بانک‌ها از نوع عقد قرارداد فروش اقساطی بوده است (گزیده آمار اقتصادی ۱۳۸۶). هرچند در دو سال اخیر و به دلیل ایجاد محدودیت در تعیین نرخ عقود مبادله‌ای از سوی دولت، این گرایش تا حدودی به طرف عقود مشارکتی تغییر پیدا کرده است.

۳-۱-۵- توجه به ساز و کار بازار در قانونگذاری

در اقتصاد و به خصوص در بازارهای مالی باید از ساز و کار بازار پیروی کرد و دولت باید کمترین دخالت‌ها را در بازارهای مالی داشته باشد. مهم‌ترین بحث در این خصوص تعیین نرخ سود خدمات بانکی است که هر سال توسط شورای پول و اعتبار اعلام می‌شود. تعیین نرخ سود بانکی یکی از متغیرهای کلیدی و اساسی اقتصاد به شمار می‌آید و ارتباط نرخ سود با میزان پس‌انداز ملی، سرمایه‌گذاری، میزان توان جذب منابع بانک‌ها، ارائه تسهیلات، رشد صنعتی و بخش‌های مختلف اقتصادی، تورم و اشتغال و ... باعث شده است که تعیین نرخ سود بانکی در همه کشورهای جهان از حساسیت ویژه‌ای برخوردار باشد (بانک ملی ۱۳۸۵).

نرخ سود بانکی در شرایط عرضه و تقاضا در نقطه‌ای به تعادل می‌رسد که متناسب با نرخ تورم باشد و برای پس‌اندازکنندگان انگیزه سپرده‌گذاری در بانک تقویت شود. همین‌طور تسهیلات بانکی با نرخی به وام‌گیرندگان ارائه نشود که باعث ایجاد رانت و فرصت‌های ویژه شود. بلکه در شرایط رقابتی و منطقی و متناسب با نرخ تورم، نرخ سود بانکی تعیین شود که امکان دریافت تسهیلات برای همه متقاضیان وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت و در شرایط

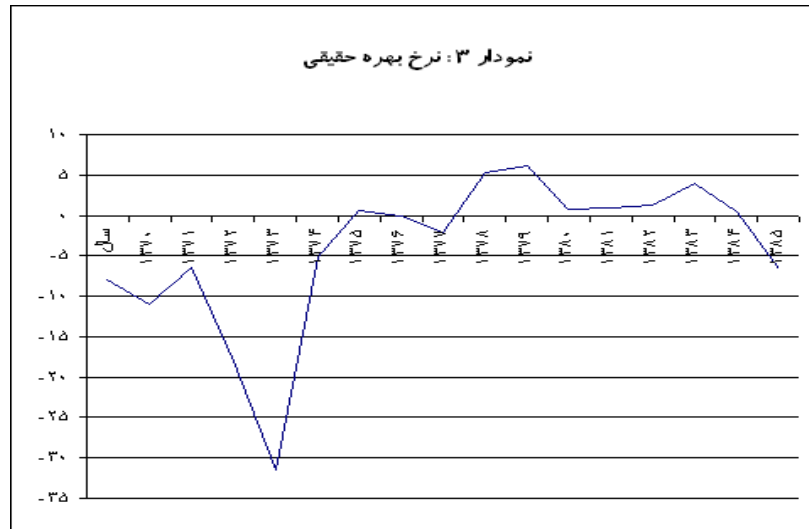
تعیین دستوری نرخ سود بانکی و کمتر از نرخ تورم، تقاضا برای دریافت تسهیلات بیش از منابع بانکها خواهد شد و باعث تشکیل صف طولانی متقاضیان و نیز ایجاد فرصت و رانت برای دریافت وام خواهد شد. از این رو پیشنهاد می‌شود برای هموارسازی فعالیت نوسازی نظام بانکی، نرخ سود بانکی از طریق عرضه و تقاضا و ساز و کار قیمت‌ها و به شکل غیردستوری تعیین شود. در جدول ۵ نشان می‌دهد که نرخ بهره حقیقی (نرخ بهره اسمی منهای نرخ تورم) در بیشتر سال‌ها منفی بوده است. در این حالت تقاضا برای وام همیشه بیشتر از منابع بانک بوده است. در اقتصاد ایران که دولت حضور گسترده‌ای در اقتصاد ایران دارد، جهت تقویت و توسعه بانکداری خصوصی باید نرخ‌های خدمات بانکی و نرخ سود از طریق ساز و کار بازار تعیین شود. بهتر است دولت به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری کند که نرخ سود بانکی در بازار کاهش یابد نه اینکه نرخ سود بانکی را به‌صورت دستوری کاهش دهد.

جدول شماره ۵: نرخ بهره حقیقی

(درصد)

سال	نرخ بهره اسمی (متوسط)	نرخ تورم	نرخ بهره حقیقی (درصد)
۱۳۷۰	۱۲.۵	۲۰/۴	-۷/۹
۱۳۷۱	۱۳.۵	۳۴/۶	-۱۱/۱
۱۳۷۲	۱۶.۵	۲۲/۹	-۶/۴
۱۳۷۳	۱۷	۳۵/۰	-۱۸/۰
۱۳۷۴	۱۸	۴۹/۵	-۳۱/۵
۱۳۷۵	۱۸	۲۳/۱	-۵/۱
۱۳۷۶	۱۸	۱۷/۴	-۰/۶
۱۳۷۷	۱۸	۱۸/۱	-۰/۱
۱۳۷۸	۱۸	۲۰/۱	-۲/۱
۱۳۷۹	۱۸	۱۲/۶	۵/۴
۱۳۸۰	۱۷.۵	۱۱/۴	۶/۱
۱۳۸۱	۱۶.۵	۱۵/۸	۰/۷
۱۳۸۲	۱۶.۵	۱۵/۶	۰/۹
۱۳۸۳	۱۶.۵	۱۵/۲	۱/۳
۱۳۸۴	۱۶	۱۲/۱	۳/۹
۱۳۸۵	۱۴	۱۳/۶	۰/۴
۱۳۸۶	۱۲	۱۸/۶	-۶/۶

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا.



۴-۱-۵- حذف تسهیلات تکلیفی پیش‌نیاز خصوصی کردن بانک‌های دولتی

دولت از سال ۱۳۵۹ با اعمال سیاست‌های حمایتی و در قالب تبصره‌های مصوب مندرج در قوانین بودجه کشور، نظام بانکی را به پرداخت میلیاردها ریال تسهیلات به فعالیت‌ها و طرح‌های مختلف در بخش‌های اقتصادی مکلف کرده است. به طوری که اجرای تبصره‌های یادشده، منابع آزاد بانک‌ها را تحت تأثیر قرارداده است. از آنجائی که این تسهیلات جهت تأمین سرمایه و اجرای طرح‌ها به صورت بلندمدت در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد؛ در مقایسه با تسهیلات آزاد (که عمدتاً دارای مدت بازپرداخت کوتاه‌مدت می‌باشند) از کنترل و دسترسی بانک خارج شده و بازپرداخت مبالغ تخصیص یافته و وصول مطالبات معوق جز با صرف هزینه و زمان زیاد امکانپذیر نخواهد بود. به دلیل وکیل بودن بانک‌ها در به کارگیری منابع سپرده‌گذاران، زیان ناشی از تسهیلات تکلیفی (نسبت به تسهیلات در اختیار بانک‌ها) به سپرده‌گذاران تحمیل شده است، که با نص صریح ماده (۱) فصل اول قانون بانکداری بدون ربا تحت عنوان "استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل" در تعارض می‌باشد.

۵-۱-۵- ثبات اقتصادی

ضرورت و اهمیت ثبات اقتصادی پس از ارائه گزارشی توسط بانک جهانی در سال ۱۹۹۱ در کانون توجه بسیاری از اقتصاددانان قرار گرفت. این گزارش که به بررسی عملکرد کشورهای طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی پرداخته است، نشان می‌دهد کشورهایی که از ثبات اقتصادی برخوردار بوده‌اند و سیاست مالی دولت را به صورت مناسب و هماهنگ اجرا کرده‌اند؛ عملکرد بهتری نسبت به کشورهای بی‌ثبات داشته‌اند (گرچی، شماره ۲۸). تعریف ثبات اقتصاد کلان از نظر بانک جهانی عبارتست از "نورم تحت کنترل نگه داشته و بدهی داخلی و خارجی قابل بازپرداخت بوده و بحران اقتصادی در صورت ظهور بتوانند طی دوره یک تا دو سال بر طرف شوند"^۱ (گزارش توسعه جهانی، ۱۹۹۱).

براساس بند ب ماده ۱۰ قانونی پولی و بانکی کشور که در آن آمده هدف بانک مرکزی حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور است؛ باید دولت در خصوص حفظ ارزش پول و کنترل تورم تدابیر جدی بیندیشد. در کشورمان که تورم دو رقمی است و در سال ۱۳۸۶ به ۱۸/۵ درصد رسیده است، فعالیت‌های اقتصادی کشور و از جمله بانک‌ها را با مشکل روبه‌رو کرده است. در شرایط تورمی، مهم‌ترین مسئله برای بانک‌ها، تعیین نرخ سود است. از این‌رو لازمه توسعه و تقویت بانک‌ها، کنترل و کاهش نرخ تورم و ثبات اقتصادی می‌باشد. همچنین باید توجه داشت بی‌ثباتی قوانین و سیاست‌های کشور مانعی برای گسترش بانک‌های خصوصی محسوب می‌شود.

۵-۱-۶- باز تعریف روابط قانونگذار و بانک‌های خصوصی

مرجع قانونگذاری برای بانک‌های غیردولتی، براساس ماده ۲۶ ضوابط تأسیس بانک‌های خصوصی مصوب نهمصد و چهل و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۰ شورای پول و اعتبار تعیین شده است. در این ماده آمده است: بانک پس از دریافت مجوز فعالیت، می‌تواند به انجام کلیه عملیات مجاز بانکی به ریال در چارچوب قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱، قانون عملیات بانکی بدون ربا و سایر قوانین و مقررات مربوطه و مصوبات شورای پول و اعتبار و مقررات بانک مرکزی مبادرت نماید. لذا تعیین نرخ سود و مواردی از این قبیل توسط سایر نهادهای کشور

^۱ World Development Report, 1991

پیش‌بینی نشده و جهت تقویت بانکداری خصوصی باید اعمال قوانین پولی و مالی خاص، توسط نهادهای مسئول صورت گیرد.

۷-۱-۵- شیوه مالکیت بانک و نفوذ نکردن نیروهای سیاسی در نظام بانکداری

گزارش شده است که ملی شدن بانک‌ها در پاکستان منجر شد به اعطای تسهیلاتی به ارزش چهار میلیارد دلار به تعداد اندکی از خانواده‌های بانفوذ که هرگز بازپرداخت نشدند و یا دخالت‌های سیاسی در بانک‌ها در بحران مالی آسیای شرقی در سال ۱۹۹۷ سهم چشمگیری داشته است. دخالت سیاسی در اعطای تسهیلات بانکی در کشورهای دیگر نیز دارای نتایج منفی مشابهی بوده است. از این‌رو هرگاه نیروهای بازار، مغلوب دخالت‌های سیاسی شوند، نتیجه آن خواهد شد که طرح‌های سرمایه‌گذاری موجه و شایسته‌تر از دور خارج شوند. برای کاهش دخالت‌های سیاسی، بانک‌های دولتی باید خصوصی شوند، لیکن خصوصی‌سازی زمانی باید صورت گیرد که امکان رقابت مؤثر بین این بانک‌ها باشد. به‌علاوه وجود بانک‌های خارجی می‌تواند به ارتقای رقابت مؤثر کمک کند (بازمحمدی، ۸۲).

یکی از دلایل حضور گسترده دولت در اقتصاد جلوگیری از انحصارات است. حضور بخش خصوصی در اقتصاد و نیز خصوصی‌سازی بدون نظارت و برنامه‌ریزی دقیق، ممکن است در اقتصاد انحصار ایجاد کند، که زیان ناشی از آن، به مراتب بیشتر از زیان‌های ناشی از انحصار در بخش دولتی است. دلیل آن هم آن است که فعالیت‌های دولت براساس حداکثر کردن منافع اجتماعی است؛ لیکن بخش خصوصی بر حداکثرسازی منافع شخصی تأکید دارد. بی‌گمان منافع ناشی از خصوصی‌سازی بر همگان آشکار است، لیکن ممکن است خصوصی‌سازی بدون برنامه منجر به ایجاد انحصارات در اقتصاد شود. از این‌رو باید ابتدا قوانین مناسبی برای جلوگیری از انحصار در بخش خصوصی تدوین شود و سپس خصوصی‌سازی در کشور گسترش یابد. حتی در کشورهای مبتنی بر بازار، قوانین ضد انحصار وجود دارد. همچنین در نظام بانکداری، با گسترش بانک‌های خصوصی برای جلوگیری از انحصارات باید تدابیر مناسبی اندیشید و قوانین نباید به‌گونه‌ای باشند؛ که منجر به ایجاد انحصار شود.

بحث دیگر در خصوصی‌سازی انتخاب سهامداران است. باید سهامداران بخش خصوصی و نیز بانک‌های خصوصی جهت گسترش و سوددهی مناسب، به حمایت‌های همه‌جانبه از شرکت خود ملزم شوند. مثلاً هنگامی که بانک برای گسترش فعالیت‌ها و افزایش عرضه خدمات و محصولات خود نیاز به تزریق سرمایه جدید طبق ضوابط بین‌المللی و مقررات بانک مرکزی

دارد؛ تزریق سرمایه از سوی سهامداران به آسانی انجام شود. همان گونه که در بخش مفهوم نوسازی بیان شد، یکی از عناصر نوسازی بهبود ترازنامه است، که یکی از جوانب آن تأمین سرمایه به میزان کافی می باشد. از این رو سهامداران باید در جهت سرعت در نوسازی نظام بانکی خصوصی در کشور، حمایت‌ها و کمک‌های لازم از جمله افزایش سرمایه را در دستور کار اجرایی جدی خود قرار دهند.

۸-۱-۵- حذف یارانه‌های پرداختی به نظام بانکی

در سال‌های اخیر به دلیل کاهش نرخ سود تسهیلات و جبران زیان بانک‌ها، دولت مبلغی به عنوان یارانه به بانک‌های دولتی پرداخت کرده است. این نوع دخالت در تعیین نرخ سود کمتر از نرخ تورم و جبران آن با پرداخت یارانه اولاً با اصول و مواد برنامه پنجساله چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور و نیز برنامه چشم‌انداز کشور تناقض دارد. ثانیاً باعث کاهش توان رقابتی بانک‌های خصوصی با بانک‌های دولتی می‌شود. از این رو پرداخت یارانه به بانک‌های دولتی زمینه رقابت را برای بانک‌های خصوصی کاهش می‌دهد و مانعی برای توسعه و تقویت بانکداری خصوصی می‌شود. بنابراین بهتر است دولت از پرداخت هرگونه یارانه به بانک‌ها اجتناب کند.

۲-۵- سطح خرد

برای رشد و توسعه کشور نیاز به سرمایه‌گذاری است و سرمایه‌گذاری از طریق تجمیع پس‌اندازها شکل می‌گیرد. در واقع توجیه علت وجودی واسطه‌های مالی و به‌ویژه بانک‌ها، نقش آن‌ها در تجهیز پس‌اندازها و سوق دادن آن به سرمایه‌گذاری است. بانک‌های خصوصی با این هدف ایجاد شدند تا روند سرمایه‌گذاری در کشور تسهیل یابد. این بانک‌ها توانسته‌اند کما بیش اهمیت رسالت خود را در این زمینه درک کنند و تا حد امکان به آن پاسخ دهند. ارقام نشان می‌دهند طی ۷ سال که از فعالیت آن‌ها می‌گذرد، این بانک‌ها، به‌رغم اندازه کوچکشان و ادامه حمایت دولت از بانک‌های دولتی، منشاء تحولات اساسی در نظام بانکداری بوده‌اند. در حال حاضر، نظام بانکی ایران از ۱۱ بانک دولتی و ۶ بانک خصوصی و تعدادی مؤسسه اعتباری غیربانکی تشکیل شده است. بانک‌های خصوصی که در همین مدت کم حدود ۲۲ درصد سهم سپرده‌ها و حدود ۱۶ درصد سهم تسهیلات نظام بانکی کشور را به خود اختصاص داده‌اند؛ به دلیل رقابت‌پذیری و فعالیت براساس حداکثرسازی سود و انعطاف‌پذیری که از خود نشان داده‌اند، می‌توانند منشاء نوسازی

نظام بانکی باشند. برخی از فعالیت‌هایی که بانک‌های خصوصی در این رابطه انجام داده‌اند و در حد محسوسی باعث نوسازی نظام بانکی شده‌اند عبارتند از:

۱-۲-۵- خدمات و محصولات جدید

بانک‌های خصوصی، پیشرو در ارائه خدمات جدید بانکی بوده‌اند و این موضوع باعث شد تا تعدادی از بانک‌های دولتی به پیروی از آن‌ها، خدمات مشابه ارائه کنند. برخی از این خدمات که تاکنون ارائه شده است عبارتند از:

- ارزش آفرینی برای مشتریان و در نتیجه افزایش سطح رضایتمندی مشتریان.
- پرداخت و دریافت وجوه به‌طور برخط^۱ و لحظه‌ای^۲ در تمام شعبه‌های بانک‌های خصوصی و دیگر خدمات بانکی الکترونیکی به مشتریان.
- اطلاع‌رسانی و ارائه خدمات مختلف الکترونیکی با استفاده از ابزارهای مختلفی چون: اینترنت، تلفن‌بانک، پیام کوتاه و ... به مشتریان.
- عرضه گواهی سپرده عام و خاص با نرخ سود شناور.
- ایجاد رابطه با مؤسسات بین‌المللی (مانند بانک توسعه اسلامی و بانک جهانی) و بانک‌های بین‌المللی.
- گسترش بانکداری الکترونیکی
- ایجاد حساب پشتیبان به‌منظور تأمین به موقع کسری حساب‌های جاری مشتریان.

همچنین بانک‌های خصوصی توانایی ارائه خدمات متفاوتی در زمینه‌های دیگر را دارند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. به‌طور اجمال این محصولات و خدمات عبارتند از:

- تسهیلات سندیکایی
- خرید سهام با استفاده از تسهیلات
- قرارداد معاوضه جریان نقدی ارزی
- طرح مستمری بازنشستگی مکمل
- کارت‌های خدمات یاری‌رسان
- مدیریت فروش خدمات اقساطی

^۱ Online

^۲ Real Time

- ارائه کارت اعتباری مسافرتی
- اعطای تسهیلات و کارت اعتباری با پشتوانه گواهی سپرده
- ارائه خدمت مدیریت ثروت
- ارائه مشاوره سرمایه‌گذاری املاک و مستغلات
- راه اندازی خدمت نقد الکترونیکی^۱
- طرح پرداخت سود سهامداران شرکت‌های بورسی
- طرح بانکداری به کمک رسانه تلویزیون
- طرح ایجاد مرکز اطلاعات مشتریان متقاضی تسهیلات و وصول مطالبات
- طرح اندوخته مسکن
- ارائه خدمت خزانه‌داری^۲
- ارائه خدمات واسطه‌گری تسهیلات ارزی بین‌المللی^۳
- گسترش خدمات تسهیلات خرد کوتاه‌مدت و کارت‌های اعتباری
- توسعه فروش بیمه‌های عمر و پس‌انداز
- ارائه تسهیلات آسان ویژه مدیران
- عرضه کارت اعتباری روی سپرده ثابت
- اعطای تسهیلات به پشتوانه گواهی سپرده با ساز و کار کارت‌های اعتباری
- ارائه کارت اعتباری مسافرتی
- مدیریت وصول فروش خدمات اقساطی
- مدیریت سرمایه ستاره‌های ورزشی و هنری
- طراحی و اجرای سیستم پرداخت خودکار قبوض^۴
- گسترش پوشش بانکی چرخه عمر
- عرضه کارت وفاداری
- عرضه کارت اعتباری خاص
- عرضه کارت هوشمند سهام
- عرضه کارت هوشمند دانشجویی

¹ E- Cash

² Liquidity/Cash Management

³ Forex finance

⁴ Auto bill

- عرضه کارت پرداخت شهروندی
- استقرار سامانه جمع‌آوری نقدینگی شرکت‌های پخش
- استقرار سامانه ارائه وام و جمع‌آوری اقساط مبنی بر کارت هوشمند
- گسترش شبکه کیوسک‌های خدمت‌رسانی
- گسترش پایانه‌های فروش در خارج از کشور^۱

علاوه بر این بانک‌های خصوصی می‌توانند نقش بیشتری در نظام بانکداری داشته باشند. هدف بانک‌های خصوصی فعالیت در سطح بنگاه‌های کوچک نیست، بلکه می‌توانند با تشکیل بانک‌های منطقه‌ای گسترش بیشتری یابند. تأسیس بانک‌های منطقه‌ای می‌تواند به توسعه نظام بانکداری کمک کند. بی‌گمان برای تأسیس بانک‌های منطقه‌ای که در تمام دنیا وجود دارد، باید زیرساخت‌های آن و از جمله الزامات قانونی در کشور تأمین شود.

۲-۲-۵- افزایش درآمد سپرده‌گذاران

طی ۷ سال اخیر بانک‌های خصوصی بین ۳۰ تا ۱۰۰ درصد بیش از بانک‌های دولتی سود علی‌الحساب به سپرده‌گذاران پرداخت کرده‌اند. این امر سبب افزایش تجهیز پس‌اندازها در اقتصاد کشور برای سرمایه‌گذاری شده است و فکر رقابت برای جذب سپرده حتی در بانک‌های دولتی ایجاد شده است.

۳-۲-۵- شفافیت مالی

بانک‌های خصوصی شفافیت اطلاعات مالی را سرلوحه فعالیت خود قرار داده‌اند و به‌طور منظم اقدام به تهیه گزارش‌های مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان مستقل کرده‌اند و این گزارش‌ها را در اختیار بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و عامه مردم قرار داده‌اند. تاکنون ۳ مورد از بانک‌های خصوصی در بورس اوراق بهادار تهران نیز پذیرفته شده‌اند که الزاماً صورت‌های مالی خود را از طریق بورس به‌طور مرتب در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهند. لیکن بعضی بانک‌های خصوصی و تمام بانک‌های دولتی که عضو بازار بورس نیستند؛ ملزم به این امر نیستند. اگر این واقعیت را بپذیریم که یکی از مهم‌ترین علل فساد در کشورهای کمتر توسعه‌یافته جهان، عدم

^۱ خلاصه عملکرد بانک اقتصاد نوین، سال ۱۳۸۶

شفافیت مالی و دسترسی مردم به صورت‌های مالی بنگاه‌های اقتصادی، اعم از دولتی و خصوصی و به تعبیر دیگر امکان بهره‌گیری از رانت اطلاعات توسط عده‌ای خاص بوده است؛ اهمیت خدمتی که بانک‌های خصوصی در ترویج اطلاعات و نوسازی در این زمینه انجام داده‌اند روشن می‌شود.

پیشنهادها

- منسجم کردن قوانین و مقررات حاکم بر نظام بانکی با شرایط فعالیت نظام بانکی خصوصی: برای این منظور پیشنهاد می‌شود کارگروهی از بانک مرکزی و بانک‌های خصوصی و دولتی و صاحب‌نظران این حوزه تشکیل شود و قوانین موجود را هماهنگ و منسجم کنند.
- کاهش عقود قرض: کارگروه ذکر شده در بند قبلی می‌تواند در قالب بانکداری اسلامی به بررسی کاهش تنوع عقود موجود بپردازد.
- توجه به ساز و کار بازار در قانونگذاری: بانک مرکزی می‌بایست ضمن حفظ استقلال خود، قوانین را به‌گونه‌ای طراحی کند که نرخ‌های مبادله و خدمات بانک‌ها به‌طور شناور تعیین شود.
- حذف تسهیلات تکلیفی
- ایجاد فضای آرام به منظور تقویت امنیت و ثبات اقتصادی در کشور: مجموعه سه قوه باید رفتار و سیاست‌های خود را به‌گونه‌ای تعیین کنند که کشور از امنیت و ثبات نسبی مطلوبی برخوردار باشد و بانک مرکزی نیز با سیاست‌های مناسب، ثبات اقتصادی کشور را براساس شاخص‌های موردنظر مهیا کند تا اعتماد به سرمایه‌گذاری در کشور افزایش یابد.
- شیوه مالکیت بانک و نفوذ نداشتن نیروهای سیاسی در نظام بانکداری: بانک‌های کشور نیز باید مستقل از نیروهای سیاسی کشور به فعالیت خود ادامه دهند تا منابع بانک‌ها به‌طور بهینه در کشور سرمایه‌گذاری شود.
- مطالعه و تصویب قوانین و مقررات لازم برای جلوگیری از انحصار در بخش خصوصی و الزام سهامداران به تقویت مستمر بانک‌ها به‌ویژه از نظر تأمین کافی سرمایه.

کتاب‌نامه

الف. فارسی

- بازمحمدی، حسین: *اصلاح ساختار نظام بانکی در راستای ساماندهی بازارهای مالی رسمی در جمهوری اسلامی ایران*، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۲.
- بانک ملی، اداره تحقیقات و برنامه ریزی، ۱۳۸۵.
- چالش‌های نظام بانکی*: وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور بانکی، بیمه و شرکت‌های دولتی، ۱۳۸۵.
- خلاصه عملکرد بانک اقتصاد نوین، سال ۱۳۸۶.
- رسول اف، جلال و دیگران: *پیش‌نیاز اصلاحات ساختاری در نظام بانکی، شناسایی سطوح نیازها و عوامل مؤثر به رضایت مشتریان بانک*، بانک و اقتصاد، شماره ۲۶.
- سالنامه آماری کشور: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵.
- عملکرد بانک‌های دولتی و خصوصی*: (فصلنامه بانک) وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال‌های مختلف.
- فرجی، یوسف- وکیلی، سعید: *ضرورت خصوصی‌سازی بانک‌های تجاری در ایران و ارائه مدل مناسب با استفاده از تجربیات سایر کشورها*، (مجموعه مقالات هفدهمین همایش بانکداری اسلامی ایران)، مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۵.
- گرجی، ابراهیم: *بررسی نقش ثبات اقتصادی بر عملکرد رشد اقتصادی ایران با روش نظام معادلات همزمان*، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۸.
- گزارش عملکرد نظام بانکی کشور در سال ۱۳۸۵*: مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۶.

گزیده آمار اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶.

ب. انگلیسی

Alexander, W. E, Davis, J.M: *Systemic Bank Restruturing and Macroeconomic Policy*, IMF, 1997.

Dziobek, Claudia: *Lessons from Systemic Bank Restructuring*, Internatioal Monetary Fund, 1998.

Levine, Ross: *Law Finance and Economic Growth*, Journal of Financial Intermediation. 1999.

Pagano: *Financial Market and Growth, An Overview*, European economic review, 1993.

World Development Report, 1991.